سازمانی که خود متولی حفاظت از محیط

<u>ـــت. یکی از اصلی ترین وظایف ســازمان</u>

است که درواقع نقش محوری را در حفاظت

از میراث طبیعی یک کشور و سلامت محیط

ایفا می کند. به این تر تیب سازمانی که طی سالهای طولانی از بدو تأسیس خود همواره

از اهمیت حفظ مناطق حفاظت شــده سخن

صادق آن به واقع در ایسن راه تلاش کردهاند-

عامل نابسودى يكى از بهتريسن مناطق تحت

مدیریت خود میشود (مثال پزشک سیگاری را به خاطر آوریـــم). طی ســالهای طولانی

یا آن سےازمان، همواره بر نقش مثبت تعامل

که ناگهان این فعالان و کارشناسان خود را

مواجه باوضعيتي مي بينند كه در أن مجبورند

خود به تنهایی و بدون حمایت سازمان متولّی حفاظت از محیط زیست، بار حفاظت از یک

منطقه حسماس را به دوش بکشند. فعالان و

کارشناسان محیطزیست طی چند دهه

گذشته بر حفاظت از پناهگاه حیات وحش

میانکاله – و ازجملــه جزیره آشــوراده – در

برابر فعالیتهای مخرب آن منطقه ازجمله

نيروگاه نــكا، بندر امير آباد، جـاده ميان گذر،

پیرو پالایشگاه نفت، شکار، کود و سموم شیمیایی

په پستاه نفت شکار ، تود و شموم سیمیایی کشاورزی و ... تأکید کرده و بعضا در این مسیر متحمل فشار های فراوان شدهاند. حال همگان

باواقعیتی در دناک روبه رو می شوند – اگر چه

برای نگارنده دور از ذَهَن نَبود و یکسال پیش

داوطلبان اين عرصه با دولت تأكيد شده اس

هُمكاري فُعالان و كارشناسان محيطزيً

ور است به هیچوجه قابل پذیرش

، آموزش آحاد مردم

نگاه منتقد





که جنّاب «بَیلٌ گیتس» برای کارهای سختاز آیشان کمک می گیرد! استقلالیها چطور افرادی هستند؟ طرفداران تیــم پرســپولیس چطور؟ درمــورد این شــعر کودکانه چەنظری دارید؟ «ختراموشن مثل خرگوشن! پسرا شیرن مثل شمشیرن!» آیاموافقید که مردان افرادی قــوی، کار آمد، باثبات، خشـَـن، با اعتماد بهنفس و در عوض زنان افرادی گرم، هیجانی، در مان حــ که مردان افرادی قسوی، کار آمد، باثبات، خش مهربان،حساس وضعيف هستند؟ آيا پيرمر دهاوزنان ىن جذابند؟ بەنظر شـــما ھمەجا خُوب و بد دارد يا لر هااینجوری و کر دهاونجوری هستند؟ آذری، عرّب، بختیاری، فارس و بلوچ چطور؟ بەنظر شمامهمترین ویژگی پزشــکان، بازاریها، معلمان، افــراد نظامی، رز شــکاران، ستار گانَ ســينما، قصابهاُ، رانندگار: ، رورىسىدرى توبوس،خلبانان،نوازندگان،فروشندگان،مۇن روحانیون، وکلا، مجریان تلویزیون و... چیست؟ اغلب ما درباره هریک از این دسته افراد نظراتی داریم که ر پر ایری ایری ایری کر میری ایری ایری ایری ایری که ما درباره هر یک از این دسته افراد نظراتی داریم که ممکن است با واقعیت منطبق نباشد. معمولا درباره هر گروه میاندیشــیم که صرفا یک یــا چند ویژگی برجسته مشترک بین آنها وجود دارد که همان است که ما از آن آگاهیم. احتمالا این داستان را شنیدهاید کهروزی مردی نزدروانشناستی می رودو روانشناس هر کاری که از دستش برمی آیدبرای در مان افسردگی او انجام می دهد اما افسا او اُنجام می دهد اما افسـَردگی مُرد درمان نمی ُشود. درنهایت روانشــناس می گوید که مرد باید به دیدن برنامه سیر ک شهر برود و نمایش دلقک بامزه سیر ک راببیند تا حالش خوب شود. اما مرد پاسخ می دهد که آن دلقک خودم هســـتم! در نگاه اول بهنظر می رسد دلقکھابایدافراد شــادی باشـــند پــس چرا دلقک داستان مااز افسردگی رنجمی برد؟!اجازه بدهید مثال ں صفحہ عرب ہے۔ دلقک ہا باید افراد شــادی باَشــند دیگری بزنم. تابه حال شده که شاهد دعوای شدید دو دیگری بزنم، نابه حال سده نه سامند صوری سنید سو نفر و سپس دوستی پایدار میان آنها باشید؟ چطور چنین چیزی ممکن است؟ دو نفری که از روی نفرت پ یا پ در کار می شوند، بلافاصله پس از اختلاف شدید با هم در گیر می شوند، بلافاصله پس از اختلاف به اتحاد می رسند!!میرالمومنین علی(ع) در یک جمله بەلىعادەمىرىسىدامىرلىمومىنى غلىراغارىيىن جىملە غلترابيان فرموداند: ھىردەر دىشىن چېزى ھىستىد ئىمىنى دىلىن للەرھىنىلىنان اچتماعى ھەبەزىل خود سىخن مولى الموحدىن را تأييدىمى كننىم كەلمالاع دقيقى باخيلى چېزھادىشىمنى مىكنىم كەلمالاع دقيقى حق بهجانب هستیما عجبا وقتی اطلاعات کاملی درباره چیمزی نداریماز کجا میدانیم که بداست؟! اما به هر حال اصرار داریم که بد است! حقدر هم تصور م كەمنطقى ھستىماوحتى عاقلىم كەاين طو فكر مى كنيسم! ولسى درواقع فكر مى كنيسم كه فكر میکنیم!مادر عمل نمیخواهیم زحمت فکر کردن را بر خودهموار کنیم.اصولاچنین تصوراتی از گرایش به صرفهجویی در فکر کردن ناشی می شود. در جهانی که مبتلابه نشانگان اضافه بار اطلاعات است، افراد ناگزیر ز صرفهجویی شناختی هستند. تلویزیون، اینترنت، ر در با دری شبکههای اجتماعی، روزنامه، مجله و تمام رسانه های موجود در هر لحظه حجم بسیار عظیمی از اطلاعات را



مردم دشمن چیزی هستند

كەنمىدانندچىست

24

منتقلمي كنندودر چنين فضايي فرددچار اضافهبار اطلاعات درباره مسائل گوناگون می شود. مغز ما بهطور طبیعی برای صرفه جویی در فعالیت شناختی سیاری از اطلاعات را نادیده می گیرد که ممکن است تفاقا بسیار مهم هم باشــند. بنابراین ما بدون این که اتفاقات اطلاعات درستی درمورد موضوعی داشته باشیم، درباره آن به ُنتيجه خاصٌ خودمانُ ميرسيم. پسٌ، اگرچه با ايــن روش صرفهجويي كردهايــم اما دچار



ىئولىتاجتماعىشركتھادركارآفرينى



اگر یادداشت های قبلی را به یاد داشته باشید، درباره کارهایی صحبت کردیم که به کارآفرینی و کارآفرینان کمــک میکننــد. میدانید یکی از مهم تریس بخش همای اقتصاد کمه می تواند ر مہم ریس باعش میں استعاد ہے۔ ہے کار آفرینان کمک کند، چیست؟ مجموعہ شركتُها،سازمانها،كارخانجاتو...

بگذارید با یک مثال، بیشتر دراین باره صحب كنيم چُون ظاهرا من در حال صُحبت از مساله اي متناقض هستم. اینجا درباره مجموعههایی صحبت میکنیم کـه مرحلهای از رشـدرا طی كردهاندوبه حداقلى از ثبات وموفقيت رسيدهاند فرض كنيد من مدير عامل يك كارخانه كوچك موفق و رو به رشد هستم. حالا حدود صد كارمند و کارگر هـر روز در کارخانه من غـدا میخورند. موادغذایسی موردنیاز بسرای کارخانسه را چطور تهیه میکنم؟ میروم سراغ گوشت منجمد برزیلی؟ میروم سراغ مشهورترین و معتبرترین شــر کت.های فعال در این زمینه؟ این جاست که ست تعمیل عمال در این رمیند: این جنست ته یک مدیر موفق می تواند به موفقیت کار آفرینان تازه کار کمک کند. اگر من به عنوان یک مسئول بروم از یک گاوداری تازه تأسیس خرید کنم، هم نياز خودم رابر آورده كردمام وهم به يک كار آفرين يارىر ساندەام.

قرار نیست این جا گوشتی گران تر از بازار فروخُتُه شود یا کسّی این وسط ضرر کند. اما با رعايت تمام اصول اقتصادى از امكانى كه داريم ر ... - ۱۰ ران بسرای تقویت و جسان دادن به کسسب و کارهای لتعد أستفاده كردهايم. هزاران كارخانه موسسه و شرکت در سراسر ایران در حال فعالیت مســـتند. اگر همه آنها ضمن درنظر گرفتن سود خودشان كارباكسبو كارهاى داخلى رادر اولويت قرار دهند، می توانند کمک بزرگی به پاگرفتن و بوفقيتكسبوكارهاىنوياكنند.

حتی می توانیم یک گام هـــم جلوتر بگذاریم و درباره كسبوكارهاى اجتماعى¹ صحبت كنيم. احتمالا تابه حال اصطلاح «مسئوليت اجتماعى شرکتها» یا «مسئولیتاجتماعی سازمانها» راشنيده باشيد. مسئوليت اجتماعي شركتها بُه مجموعه فعالیتهایی گفته می شـود که یک سازمان یا شـرکت فراتر از منافع خود و وظایف

بهای ناخواسته هم شدوایم که خوداز آن خبر

بادداشت

نداريم. اين آسـيبها زماني خود را نشأن مي دهند

قانونی اش در جهت رسیاندن سود و منفعت اجتماعی به جامعه ای که در آن فعالیت می کند، نجاممىدهد. در همین لحظه شرکتهای بزرگ در سراسر جهاٌن فعالیتهای بسیاری را در این راس می دهند و کار به جایی رسیده که اگر شرکتی از تجام این فعالیتها خودداری کند، وجهه خود را بهتدریج،ین مردماز دست می دهد.این فعالیت ها به اشکال و درقالب های مختلف انجام می شوند. ، سرمایه گذاری در کسب و کارهای اجتماعی یکی از جدیدترین اشکال این فعالیت هاست، چون پولی که شرکت در این مسیر به کار میاندازد یک بار مصرف شده و تمام نمی شود، بلکه وار د چر خهای می شود که رشد کر دهو به پایداری یک کسب و کار منجر میشـود. حمایت از محیطز یست، اقشار ب پذیر،مناطق محرومو...همگی به این روش قابل إنجامهستند.

. يادماننرودبزر گترين حاميان مردم، خودمردم هستند.اگر خودمان لذت کارآفرینی وموفقیت را چشیدهایم، به کسانی که تازه در این مسیر قدم گذاشـــتەاند كمک كنيم تا آنها هـــم بە اين لذت برسند

ہے نوشت: . ۱. کسب و کار اجتماعی با social business به کسب و کاری گفته می شود که برای حل یک مشــکل اجتماعی راه اندازی می شــود و ســود حاصل از آن سرای بهبود و گسترش کار به کار میرود.برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید به نوشتههای آقای محمد یونس مراجعه کنید.

پرانتز

ید و اطلاعات جدید را نادیده خواهیم گرفت.

یا به طبوری که در موارد معدودی رخ میدهد، ، ناهماهنگی شناختی مان را با تغییر نگر شمان نسبت به آن فردو افراد شـبیه به او حل خواهیـم کرد. اما از أنجايى كه راه دوم نيازمند صرف منابع و انرژى اس . اکثر افراد مسیر اول را می پیمایند و این گونه اس ت که در جامعه با افراد بسیاری برخورد می کنیم که بدون و به هیچوجه با پرسپولیسی هامعاشرت نمی کنند. پرستاری راشغلی زنانه میدانند.از قومیت خاصی بد مُی گویُند. کار همکار زن یا مـرد خُودُ را قبول ندارند. فکر می کنند هر کسـی روانشــناس خودش است! درواقع پيشداوري، تصوراتُ قالبي، تعصبُ و قضاوت بدون جمع آوری اطلاعات کافی باعث می شود درباره دنیا، گروهها و موضوعات مختلف اشتباه کنیم. گویا آسیبنی بدتر از این وجود ندارد که فکر کنم درست فکر می کنیم اما واقعیت این باشـد که اشــتباه فکر می کنیم خوب، اگر پیشـداوری و تصـورات قالبی اینقدر آسیبزاست، چطور میتـوان آنها را تغییر داد؟ روانشناسان اجتماعی که بریادگیری مشاهدهای تأکیدُدارند، معتقدند کودکان پَیشداوری را از والدین و دیگران مهم خود و از طریق مشــاهده رفتار ایشان فرامی گیرند. چون والدین منبع یاد گیری این رفتار ها سرسی بیرمد پول و دین سب یه بیری بی (سرت هستند بنابراین یک راه برای کاهش پیشـداوری ایجاد تغییر در والدین است. چون بیشـتر والدین برای بهزیستی کودکانشان حاضر به انجام هر کاری هستنداحتمال موثر واقعشدن این روش وجوددارد. همچنین کسب اطلاعات درباره افراد گروههای دیگر، روش دیگری برای کاهش پیشداوری است. افزایش ارتباط و تماس با افراد سـایر گرودها می تواند منجر ـباهت های موجود بین افراد دو نروه شــود. فرضٌ کنید یک پرسپولیسی دو آتُشه و[ّ] بک استقلالی دو آتشه محکوم شوند که برای مدتی -در یک سلول زندانی باشــند. به مرور متوجه علایق مشتر کـشان خواهند شــد. هر دوی آنها به فوتبال، هيجان بازی، تيمملے، برنامه نود، جامجهانی و.. علاقه دارند. آنها متوجه میشوند که وقتی تيمملی ایران بازی دارد، هویّت استقلالی یا پر سپُولیسی شان رنگ میبازد واگـر هر کدام از بازیکنان اســتقلال یا رسپولیس یا هر تیم دیگری گل بزند، طرفداران هر دو تیم عمیقا و بدون پیشداوری خوشحال خواهند شد. گلهی هم با تغییب گروه خـودی و غیرخودی پیشداوری خودبهخود از بین می رود. برای مثال نقل وانتقال بازیکنان فوتبال را در نظر بگیرد. یامتلا اگر فردی که در گروه کارمندان قرار دارد ارتقاء پیدا کند و رگی رو رو رو رو رو بگیرد پرواضح است که دیگر درباره گروه رئیسان قرار بگیرد قبل فکر نخواهد کرد. بادانشجويي كه همه اساتيد راافرادي از خودراضي . نصور می کند در صورتی که روز ی اس اد شود تصور خود از گروه اســاتید را تغییر خواهد داد. به هر حال، هرچندنمی توانیم جلوی تمام پیشداوریها، تصورات فالبی، تعصبـات و قضاوت.های عجولاتـــه را بگیریم اما کسب شـــناخت و آگاهی درباره آنها می تواند ما را در ساخت روابط انسانی بهتر و داشتن شهروندانی با سلامتاجتماعي بيشترياري دهد.

بالاخره عرف جامعه مااينطوره ديگه

به سمت یا یانه تاکسیی ها در حرکت بودم، با گلی در دستم، چند شاخه گل نرگس بنفش زنگ که برای یکی از دوستانم خریده بوده، وارد پایانه شده وبه طرف خط صادقیہ– گیشــا جر کت کر دم. راننــدہ در کنار ماشينش ايستاده بودو چشمانش اين طرف وآن طرف مى چرخيد.در پى آخرين مسافر بود تاحر كت كند. سوار شدم وماشین حرکت کرد. به محض حرکت، راننده نیم،نگاهی به گل های در ستموبعدبهچهردام انداخت. راننده «مبارکباشه!»

که با مواردی بر خور د می کنیم که مخالف باور های ما

درباره چیزی است. مثلاوقتی میشنویم که فلانی می گوید داشتم نماز میخواندم که فلان اتفاق افتاد..

ممکن است دچار ناهماهنگی شناختی شویم. یعنے

نو شناخت ما درباره او مخالف هم شوند. شناخت اول

مابراساس صرفه جويى شناختى و پيشداورى اين بود

کهافُرادی شبیه به اومتدین نیستندو شناخت جدید مااین است که او نماز هممی خواند.در چنین شرایطی

يا براساس پيشداوري و صرفه جويي شناختي عمل خواهيم كرد و به شناخت معيوب اول خود خواهيم

من: «چىمبار كباشە؟»

ر کې ۔ صداي پچهچ دو مسافر از صندلي عقب مي آمد.

نمی توانستم بەدرستی تشخیص دهم که درمورد ایــن گل و حرفهای راننده اســت یــادرباره چیز

، رق ر – ایر من: «از کجــافهمیدید کــه ایـــن گل_رو هدیه

. راننده: «مشخصه خب!مردها که گل نمیخرن؛

دختراگلمیخرن وهدیه می دن.» از حرفهایت نیمچه لبخندی زدم. به خودم

«ين گلھارومن خريدھ براي يکياز دوستانم»

گرفتے دیگہ.»

دیگریحرفمیزنند.

م أت دادم و به آرامی گفتچ:

گرفتم؟»

. تندوشناخت

ون چیزی که به خاطرش این گلرو هدیه

من: «منظور تون اینه که «دوست بست؟ یا «براز»دوست داشتن؟» دخيلي جلوه زيبايي نداشته باشه كه يه مرد به

ی ک. تقریبابهانتهای مسیر رسیده بودیم.زیر پل گیشا. راننده، ماشین رانگه داشت تاهمه پیاده شوند. هنوز

من هم لبخندی به او زدم و گل ها را گذاشتم روی داشبورد و گفتم: «دوست دارم اینا مال شما باشن. عرف جامعه به همه ما آموختــه از گفتن یا ابراز هر

صدای یچیج مسافران صندلی عقب قطع شد. نیشـخند راننده هم از بین رفت. در آینه وسط، به مسافران نگاهی انداخت و باز حواسش را به خیابان بنعرفرونمى پذيرم».



تاكسى نوشت

تهران، فلكهدوم صادقيه؛ ساعت ۲۰:۴۰

جمع کرد. سنگینی نگاه مسافران را از پشت سرم حسمی کردم. مسافر 1: «حالا فرقسی نمی کنه. مگسه مردها احسـاس ندارن؟ مردهـا نبايد گل بخرن واســه مسسف ندرن، فردهم نیاید تل بعری وست راتند: «آخه خیلی مرسوم نیست که مردها گل بخرن و ابراز احساسات کنن، متوجهی که چی می گم؟ حالااین آقاخریده:نماین که بدباشه..املـــ»

مرفهایش اقطع کردم: «چرابهنظرتون چیزی

ەمرسومنیست،یعنیچیزخوبینیست؟» مسافران ســاکت شــده بودند تا جواب راننده را --ر--راننده: «آخهاگهخوب بود،مر سوم می شد!»

ت داشتن» خوب راننده: «بالاخره عــرف جامعه ما اينطو, ه ديگه.

كسى گلبدەياابرازاحساساتكنە.»

. سافر ها پیاده نشده بودند که راننده با لبخند به م گفت: «تاراحتنشیاز حرفام منظوری نداشتم.»

چَيزى كه به اسم دوستداشتنه، پرهيز كنيم. من



که تازه بــاین عرصه آشــنا شــدهاند-۱: اكوتوريستهاي واقعى و داوطلبان- به دنبال پاسخ به این سوال هستند که اگر نتوان به ســازمان حفاظــت محيطز يســت اعتماد کرد پس چه باید کرد؟ خوشــبختانه پاســخ آنُ را گـروه بزرگـی از کارشناسـان و فعالان محیط زیسـت دادهاند: اگر دولت به وظایفش در این عرصه عمل نکند، ه د کسانی که ے۔ چشمداشے و به دور از اهداف سیاسے به وظيفه خود در امر حفاظت از مناطق حساس اکولوژیک کشور عمل خواهند کرد. طی یک ماه گذشته مقاومت قانونی در برابر واگذاری آشوراده، موفق به تشکیل ستادی مردمی شده که درواقع وظایف سازمان حفاظت از محیطزیست را بر دوش می کشد. این ستاد در برابر تسلیم مناطق حفاظت شده به صاحبان زر وُ زُوُر ايستاده و از حقوق نسل هاي آينده دفاع

ــيارى از علاقەمندان بە محيطزيســت

مي كند. تك تك افراد ملت مي توانند عضو اين ادياشند . ستادمر دمی نجات آشور اده (سمنا):

ashoradeh1393.blogfa.com





آسيب شناسى تربيتى طرحوا گذارى جزيره آشوراده به صنعت گرد شگرى

تناقض دركلام وعمل؛ آفت آموزش محيط زيست

ب... مفاظت محيد

یکی از اصول مهم تربیتــی در آموزش افراد در هر زمینه مورد تصور –این است که مربی یا آموزش دهنده خود به سـخنی که می گوید عمل کند. در این بـاره قرآن مجید در سـوره الصف آيات ۱ و ۲ می فرمايد:

ای کسانی که ایمان آوردهاید چرا چیزی می گویید که انجام نمی دهید

نز د خدا سخت نایسند اســـت که چیزی را بگوييدوانجامندهيد

به این ترتیب انسـانها مکلفند در آموزش به دیگران صداقــت را رعایت کننــد. یکی از فعالیت هـای مهم آموز شـی- کـه مانند هر زمینه دیگری مســتلزُم صداقــت مربیان آنُ اسـت-آموزش محیطزیست اســت. در این موضوع آموز شی، تلاش می شود تا آموز ش گیرندگان به اهمیت محیطزیست پی برده و در حفظ آن کوشا باشند. انتقال دانش و آگاهی زیستمحیطی تنها یکی از مراحل آموزش محيط زيست بوده و مي بايست در افراد علاوه بر كسب معلومات لازم، بينش صحيم براي درک موضوعات زیست محیطی ایجاد شود. مهم ترین مرحله آموزش محیطزیست، تغییر رفتار پایسدار در آموزش گیرندگان است که بدون آن درواقع آموزشی صورت نگرفته است. در اینجا قصد دارم با بیـان مثالی وارد بحث اصلی خودشوم. فرض کنیم پزشـکی به بیمار خود توصیه

اکید می کند که از مصرف دخانیات پرهیز کند در این توصیه، پزشـک می تواند مضرات مصرف دخانیات را توضیح دهد. به این ترتیب اطلاعاتی جدید را به یک فرد ارایه کرده است. حال تصور كنيم كه پزشك معالج خود سیگاری باشد! آنچه در ذهن بیمار رخ می دهد رویارویی با یک تناقض بزرگ در گفتار و رفتار کسی است که به او اعتماد کر ده است. ناگفته پیداست که چنین ٌ پزشــکی ٌنمیتواند تغییر رفتاری در مخاطب خود ایجاد کند. در این جا به عظمت گناهی که چنین پزشـکی مرتکب

محیطزیست کشور رخ داده که دلسوُزان جامعه را به شــدت نگــران کرده و بــه تکاپو

ســازمان حفاظت محيطز يســت قصد دارد

یعنی جزیرہ آشورادہ را به صنعت گردشگری

ختصاص دهد. این تصمیم مستلزم آن است

کهاین منطقه حساس اکولوژیک، آرامش خود را برای همیشه از دست داده و به محلی برای

ردشیگری تجاری برای انبوه گردشگران و

مسافران تبديل شود. ساخت هتل، رستوران،

پیست،های تفریحی و بازارچه در آشوراده و

أشوراده

. متى از پناهگاه حياتوحــش ميانكاله